فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و ششم، بهار ۱۴۰۳- صفحات ۱۱۷-۹۵

امکان‌سنجی اجرا و پیاده‌سازی رژیم هدفگذاری تورم در اقتصاد ایران

نوع مقاله: پژوهشی

ایلناز ابراهیمی[۱]
ژاله زارعی[۲]
مریم همتی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

چکیده

اقتصاد ایران برای چندین دهه است که درگیر معضل نرخ‌های تورم بالا و پرنوسان بوده و این مساله در چند سال اخیر شدت بیشتری پیدا کرده است. برای کنترل نرخ تورم، سیاستگذار پولی اقدامات مختلفی انجام داده است که از جمله آنها اعلام اجرا و پیاده‌سازی رژیم هدفگذاری تورمی در سال ۱۳۹۹ بود که در عمل با موفقیت چندانی همراه نشد. این مقاله با استفاده از داده‌های نهادهای معتبر آماری ایران مانند بانک مرکزی و مرکز آمار ایران انجام شده و هدف آن پاسخگویی به این سؤالات است که آیا در اقتصاد ایران پیش‌شرط‌های اولیه برای اجرا و پیاده‌سازی تورم وجود دارد یا خیر و در صورت اجرای چنین رژیمی، بنا به شواهد آماری باید چه بخشی در اولویت کنترل تورم باشد. بررسی پیش‌شرط‌های انجام هدفگذاری تورمی نشان می‌دهد که در ایران به جز امکانات مناسب تحلیلی همچون مدل‌های لازم برای پیش‌بینی تورم و سایر متغیرهای مرتبط، بقیه پیش‌شرط‌ها وجود ندارد. همچنین، بررسی ساختار تورم حاکم در اقتصاد ایران در حال حاضر و واقعیات آشکارشده در این زمینه نشان می‌دهد که برای کنترل تورم در اقتصاد ایران هیچ راه‌حلی بدون توجه به بخش «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» و بخش «مسکن، سوخت و روشنایی» وجود ندارد. همچنین به دلیل رکود حاکم بر اقتصاد در چند سال گذشته، اعمال سیاست‌های انقباضی پولی با محدودیت‌هایی مواجه شده و رشد نقدینگی بیش از آن که پیشران تورم باشد، تعقیب‌کننده نقدینگی است، پس کنترل تورم تنها از طریق سیاست‌های پولی ممکن نیست و سیاستگذار مالی نیز باید در این حیطه نقش‌آفرینی کند.

واژگان کلیدی: تورم، هدفگذاری تورم، واقعیات آشکارشده، سیاست پولی
طبقه‌بندی JEL: E52، E31، E58

---

۱ عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی (نویسنده مسئول) ilnazebrahimi@yahoo.com
۲ عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی zhalezarei@gmail.com
۳ عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی hematy.maryam@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مقدمه

در دهه‌های گذشته، غلبه نظرات اقتصادانان پولی یا پولیون[۱] در محافل اقتصادی باعث شده است که برای سالیان متوالی، اعمال سیاست‌های طرف تقاضا و کنترل کل‌های پولی[۲] راه‌حل قطعی برون‌رفت از معضل تورم تلقی شود و بیشتر اقتصاددانان در سراسر جهان و البته ایران بر این رویکرد برای کنترل تورم متمرکز باشند. ولی در سال‌های اخیر، موج دیگری در محافل ایجاد شده و راه‌حل کنترل تورم از انتخاب ابزار به انتخاب چارچوب تغییر پیدا کرده است. به طوری که، هدفگذاری تورم به عنوان راهی برای مهار تورم معرفی شده و طرفداران جدی در بانک‌های مرکزی جهان پیدا کرده و بسیاری از بانک‌های مرکزی این چارچوب را به عنوان راهبرد اصلی خود در اعمال سیاست‌های پولی برگزیده‌اند. هدف نهایی این رویکرد، کنترل تورم از طریق کنترل انتظارات تورمی و استفاده از آن به عنوان لنگر تورمی[۳] است(گولر[۴]، ۲۰۲۱).

در اصل هدفگذاری تورم به نوعی ترکیب قاعده با صلاحدید است به این معنی که در رویکرد قاعده‌محور، عموماً بانک‌های مرکزی بر حفظ نرخ رشد پول در یک رقم خاص یا تنظیم نرخ بهره بر اساس یک قاعده همچون قاعده تیلور[۵] پایبند هستند تا از این طریق بتوانند با کنترل طرف تقاضای اقتصاد، تورم را مهار کنند. در حالی که در صلاحدید و ترکیب آن با قاعده به بانک مرکزی اجازه داده می‌شود تا یک نرخ تورم را به عنوان هدف معرفی کرده و سپس با استفاده از تمام ابزارهای در دسترس خود از نرخ بهره گرفته تا نرخ رشد حجم پول یا نرخ ارز یا غیره، به این نرخ تورم رسیده و سپس در طول زمان به آن پایبند باشد تا بتواند انتظارات تورمی را کنترل کرده و در نهایت با اطمینان دادن به کارگزاران اقتصادی از فضای اطمینان‌بخش بوجود آمده برای حفظ راحت‌تر نرخ تورم در دوره‌های آتی بهره ببرد و از افزایش کارایی ابزارهای در دسترس خود برخوردار شود.

در ایران نیز به پیروی از این تجربه کمابیش موفق جهانی، در سال ۱۳۹۹ برای اولین بار به صراحت یک نرخ تورم از پیش‌تعیین‌شده به عنوان تورم هدف معرفی شده و از طرف بانک مرکزی اعلام عمومی شد. البته تورم تحقق‌یافته در این سال معادل ۳۶/۴ بود و فاصله معنی‌دار آن از نرخ تورم هدف ۲۲ درصدی اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی نشان داد بانک مرکزی در رسیدن به تورم هدف، تجربه‌ای ناموفق داشته است.

---

۱ Monetarists
۲ Monetary Aggregates
۳ Inflation Anchoring
۴ Güler
۵ Taylor Rule

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

سوال مهم که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد این است که پیش‌شرط‌های اجرای موفقیت‌آمیز رژیم هدفگذاری تورم چیست و آیا اساساً اقتصاد ایران در شرایط فعلی و پیش از این در سال ۱۳۹۹ از این پیش‌شرط‌ها برخوردار بوده است؟ ویژگی‌های اصلی تورم و ساختار فعلی آن در اقتصاد ایران چیست و اگر سیاستگذار پولی بخواهد به دنبال کنترل تورم از طریق هدفگذاری آن یا از طریق هر ابزار و یا چینش دیگری در سیاست‌های خود باشد، باید به چه اولویت‌هایی توجه کرده و رفع چه معضلاتی را در دستور کار خود قرار دهد؟ و اگر به دنبال هدفگذاری تورم باشد باید چه نوع از این رژیم را پیاده‌سازی کند؟

برای پاسخگویی به این سؤالات ابتدا تعریف هدفگذاری تورم ارائه شده و انواع آن معرفی می‌شود. سپس پیش‌شرط‌های اجرای موفقیت‌آمیز هدفگذاری تورم ذکر شده و در ادامه پس از ارائه تاریخچه‌ای مختصر از هدفگذاری تورم در جهان و ایران، بررسی می‌شود که آیا اقتصاد ایران از پیش‌شرط‌های هدفگذاری تورم برخوردار است یا خیر. بررسی ساختار فعلی تورم در اقتصاد ایران و برخی از واقعیات آشکارشده در خصوص آن می‌تواند رهنمودهای مهمی را در خصوص ادامه کار و پیگیری راهبرد کنترل تورم در اقتصاد ایران در اختیار سیاستگذار قرار دهد که در ادامه مقاله به آن پرداخته شده است. در نهایت، خلاصه و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی در بخش پایانی مقاله ارائه می‌شود.

۱. تعریف هدفگذاری تورمی

هدفگذاری تورمی تعریف دقیقی ندارد. با این حال، در ادبیات موضوع اجماع نظر گسترده‌ای در مورد عناصر اصلی شکل‌دهنده آن بر اساس تجربه کشورهایی که این هدفگذاری را انجام داده‌اند، وجود دارد (میشکین[۱]، ۲۰۰۴، هموند[۲]، ۲۰۱۲). به عقیده هموند (۲۰۱۲) چارچوب هدفگذاری تورم پنج ویژگی و عنصر اصلی به این صورت دارد: ۱- تعیین ثبات قیمت‌ها به صورت صریح به عنوان هدف اولیه سیاست پولی (که البته در برخی از کشورها در اساسنامه بانک مرکزی به عنوان یکی از اهداف اصلی آن قید شده است)؛ ۲- اعلام عمومی یک نرخ هدف اسمی برای تورم؛ ۳- طراحی یک راهبرد سیاست پولی سازنده بر پایه مجموعه وسیعی از اطلاعات از جمله پیش‌بینی‌های نرخ تورم برای بکارگیری ابزارهای سیاستی برای رسیدن به هدف تورمی اعلام‌شده؛ ۴- داشتن یک راهبرد شفاف سیاست پولی که برنامه‌های سیاستگذار پولی، اهداف آن و منطق پشت سر تصمیم‌گیری‌ها را

---

۱ Mishkin

۲ Hammond

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

در اختیار عموم قرار می‌دهد و ۵- مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دموکراتیک بانک‌های مرکزی در رسیدن به هدف اعلام‌شده.

اجرای چارچوب هدفگذاری تورمی یک سازوکار مشخص دارد. هدف تورمی تعیین و اعلام می‌شود. بانک مرکزی مسیر آتی تورم را پیش‌بینی می‌کند و آن را با هدف تورمی مقایسه می‌کند تا میزان انحراف تورم پیش‌بینی‌شده از تورم هدف را شناسایی نماید. بانک مرکزی بر اساس یک ساختار و فرآیند تصمیم‌گیری معین، ابزار سیاست پولی را به نحوی تنظیم و تعدیل می‌نماید تا از انحراف تورم پیش‌بینی‌شده از تورم هدف ممانعت نماید و به تبع آن نرخ تورم در محدوده هدف تورمی حرکت نماید. در این چارچوب لازم است بانک مرکزی با تنظیم یک سیاست ارتباطی معین، پاسخگویی و شفافیت را پیگیری نماید تا از مسیر کنترل انتظارات تورمی، فرآیند حفظ نرخ تورم در محدوده هدف را تسهیل نماید (زمان‌زاده و همتی، ۱۳۹۹).

۲. طبقه‌بندی چارچوب‌های مختلف هدفگذاری تورمی

در طی زمان با جدی‌تر شدن هدفگذاری تورمی به عنوان یکی از چارچوب‌های مطرح اعمال سیاست پولی در بین بانک‌های مرکزی جهان، طبقه‌بندی‌های مختلفی از آن در ادبیات اقتصادی مطرح شد. این طبقه‌بندی اغلب بر مبنای اعتبار بانک مرکزی و نیز میزان پایبندی و تعهد آن به حفظ یک هدف تورمی خاص صورت می‌پذیرد. در طبقه‌بندی هدفگذاری تورمی سه رژیم مختلف تعریف می‌شود که عبارتند از: هدفگذاری تورمی کامل (FFIT[۱])، لنگر ثبات قیمت ضمنی (IPSA[۲]) و هدفگذاری تورمی سبک (ITL[۳]) (کراری و استون[۴] (۲۰۰۶)).

- هدفگذاری تورمی کامل

هدفگذاری تورمی کامل، شناخته‌شده‌ترین نوع هدفگذاری تورمی است. بانک‌های مرکزی که از این نوع هدفگذاری استفاده می‌کنند از اعتباری متوسط به بالا برخوردارند، به وضوح به هدف تورمی اعلامی خود پایبند بوده و با استفاده از یک چارچوب سیاست پولی شفاف، این پایبندی را سازماندهی می‌کنند که نشانگر تعهد آنها به اهدافی است که وضع کرده‌اند. البته لازمه اعمال این نوع هدفگذاری تورمی، استقلال عمل بانک مرکزی از دولت و سایر نهادهای اثرگذار در اقتصاد یک

---

۱ full-fledged inflation targeting

۲ Implicit price stability anchor

۳ Inflation targeting lite

۴ Carare and Stone

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

کشور است. نیوزیلند اولین کشوری است که از سال ۲۰۰۱ از این نوع هدفگذاری تورمی تبعیت کرده است.

- لنگر ثبات قیمت ضمنی

نوع دیگر هدفگذاری تورمی استفاده از لنگر ثبات قیمت ضمنی است. بانک‌های مرکزی که از این نوع هدفگذاری تورمی تبعیت می‌کنند از چنان اعتبار بالایی برخوردار هستند که می‌توانند بدون شفافیت و پاسخگویی در مورد یک هدف تورمی خاص، نرخ تورم را در کشور پایین و باثبات نگه دارند. آنها این اعتبار خود را مدیون گذشته خود هستند که در آن تورم کشور برای سالیان طولانی پایین بوده و نیز ثبات مالی در اقتصاد حاکم بوده است. به این ترتیب، این بانک‌ها می‌توانند علاوه بر تمرکز روی پایین نگه داشتن تورم، به کمک به رشد اقتصادی نیز بپردازند (خلیلی و همکاران، ۱۴۰۲). معروفترین بانک‌های مرکزی که از این نوع از هدفگذاری تورمی استفاده می‌کنند، بانک مرکزی اروپا و نیز سیستم فدرال رزرو ایالات متحده است.

- هدفگذاری تورمی سبک

آخرین نوع هدفگذاری تورمی، هدفگذاری تورمی سبک است. کشورهایی که از این نوع هدفگذاری استفاده می‌کنند، اقدام به اعلام هدفی برای تورم خود می‌کنند ولی به دلیل اعتبار پایین خود نسبت به بانک‌های مرکزی موفق در کنترل تورم، توفیق چندانی در رسیدن و حفظ هدف تورمی اعلامی کسب نمی‌کنند. اعتبار پایین این بانک‌های مرکزی اغلب در آسیب‌پذیری شدید آنها در برابر تکانه‌های اقتصادی، بی‌ثباتی مالی و چارچوب نهادی ضعیف این بانک‌ها انعکاس می‌یابد. بیشتر بانک‌هایی که مبادرت به این نوع هدفگذاری تورمی می‌کنند در کشورهای در حال توسعه قرار دارند. اولین فردی که اقدام به معرفی هدفگذاری تورمی سبک کرد استون[۱] (۲۰۰۳) بود که بنا به تعریف وی، رژیم‌های هدفگذاری تورمی سبک از ویژگی‌های مشترکی به ترتیب ذیل برخوردارند:

۱- اهداف چندگانه برای سیاست پولی؛ ۲- اهداف و ابزار عملیاتی پیچیده و ناهمسان شامل نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت، نرخ ارز، پایه پولی یا نقدینگی؛ ۳- مداخله در نرخ ارز؛ ۴- فرمولاسیون مبهم و غیرشفاف سیاست پولی (بسته به وزن‌هایی که به هر هدف و کانال‌های انتقال سیاست پولی داده می‌شود)؛ ۵- شفافیت محدود عملیات سیاست پولی؛ و ۶- تاکید بر ثبات مالی.

برخی از تفاوتهای رژیم‌های هدفگذاری فوق‌الذکر در قالب جدول زیر طبقه‌بندی شده است.

---

۱ Stone

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

جدول (۱). برخی تفاوت‌های رژیم‌های مختلف هدفگذاری تورم

	میزان اعتبار بانک مرکزی	شفافیت و پاسخگویی	نوع رژیم نرخ ارز	هدف بانک مرکزی	برخی کشورهای پایبند به این نوع رژیم هدفگذاری
هدفگذاری تورمی کامل	اعتبار متوسط به بالا	شفافیت و پاسخگویی کامل	شناور کامل	کنترل تورم	نیوزیلند، کانادا، ایسلند، کره جنوبی
لنگر ثبات قیمت ضمنی	بالا	کم تا متوسط	شناور کامل	کنترل تورم و در عین حال کمک به رشد اقتصادی	حوزه یورو، ایالات متحده، سنگاپور
هدفگذاری تورمی سبک	پایین	کم	هدفگذاری نرخ ارز یا نرخ ارز مدیریت‌شده	اهداف چندگانه	رومانی، روسیه، اندونزی

منبع: یافته‌های تحقیق

۳. تجربه هدف‌گذاری تورم در اقتصاد ایران

بانک مرکزی به صورت صریح در تاریخ ۶ خرداد ماه سال ۱۳۹۹ طی بیانیه‌ای اقدام به معرفی چارچوب هدف‌گذاری نرخ تورم نمود و بر اساس این سیاست، هدف نرخ تورم خود را برای بازه زمانی یک‌ساله، ۲۲ درصد با دامنه مثبت و منفی ۲ واحد درصد تعیین کرد. البته بعدها بدون انتشار بیانیه رسمی از سوی بانک مرکزی، رؤسای بانک مرکزی یا برخی از مقامات دولتی طی مصاحبه‌هایی در خصوص نرخ‌های هدف برای تورم صحبت کرده‌اند.[۱]

در تعیین هدف تورمی ۲۲ درصدی در سال ۱۳۹۹، تصور بر این بود که با توجه به کاهش قیمت‌های جهانی، حجم اوراق در حال انتشار، وضعیت ترازنامه بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نرخ‌های سود موجود، این هدف به صورت پایدار قابل دستیابی باشد. البته بانک مرکزی اذعان

[۱] به عنوان مثال نرخ تورم هدف سال ۱۴۰۲ طی مصاحبه‌ای از سوی ریاست بانک مرکزی ۲۵ درصد اعلام شد (https://www.cbi.ir/showitem/27939.aspx). این رقم از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه، امکان کاهش تورم به زیر ۳۰ درصد در سال ۱۴۰۲ است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

داشت که با توجه به نرخ‌های سود، سیاست پولی همچنان انبساطی باقی می‌ماند، ولی امیدوار بود که به تدریج و با بازگشت متغیرهای واقعی به روندهای طبیعی، از انبساط سیاست پولی کاسته شده و نرخ تورم روند کاهشی خود را حفظ کند و متناسب با آن، بانک مرکزی بتواند هدف تورمی خود را در میان‌مدت به سمت نرخ‌های پایین‌تر بازنگری کند. در انتهای این بیانیه بانک مرکزی متعهد شد در راستای گسترش شفافیت سیاست‌گذاری، به صورت ماهانه تحولات بازار پول و نرخ تورم و حرکت سایر متغیرهای کلیدی اقتصاد را در اختیار عموم قرار دهد.

هدفگذاری تورم در سال ۱۳۹۹ با توجه به این که در این سال نرخ تورم تحقق‌یافته معادل ۳۶،۴ درصد بود و طبیعتاً فاصله معنی‌داری از نرخ تورم هدف ۲۲ درصدی اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی داشت، در عمل شکست خورد و افزایش مستمر تورم در سال‌های بعد نشان داد که این هدفگذاری هرگز جنبه عملیاتی به خود نگرفت. فارغ از دلایل خاص شکست هدفگذاری تورم در این سال خاص، که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد، در ادامه بررسی می‌شود که آیا به طور کلی بانک مرکزی ایران در آن زمان و در حال حاضر از پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهای اولیه هدفگذاری تورم و بستر مناسب اجرا و اعمال این چارچوب برخوردار است یا خیر.

۴. بررسی وجود پیش‌شرط‌های هدفگذاری تورمی در اقتصاد ایران و بررسی تجربه سال ۱۳۹۹

هدفگذاری تورمی در نخستین سالهای مطرح شدن آن بیشتر از سوی کشورهای توسعه‌یافته پی گرفته می‌شد که ذاتاً برخی از شرایط تحقق و دستیابی به موفقیت در اجرای این چارچوب سیاستگذاری را در اقتصاد خود داشتند. ولی باید تاکید کرد که اجرای سیاست هدفگذاری تورمی بدون فراهم کردن پیش‌شرطهایی برای اجرای موفق آن امکان‌پذیر نیست و در صورت اجرا نیز بدون بودن بستر لازم، محکوم به شکست خواهد بود. برخی از مهم‌ترین این پیش‌شرطها که در کشورهای توسعه‌یافته چندان به چشم نمی‌آید ولی در کشورهای در حال توسعه، تحقق آنها با چالشهای جدی روبرو است، شامل استقلال بانک مرکزی، عدم وجود سلطه مالی، سطح مناسب توسعه‌یافتگی بازارهای مالی و عدم وجود بی‌ثباتی مالی، عدم وجود هدفگذاری نرخ ارز به صورت همزمان با هدف تورمی، امکانات مناسب تحلیلی شامل مدلهای کلان اقتصادی که بتوان با تکیه بر آن نرخ تورم را پیش‌بینی کرد و وجود سازوکار شفافیت و پاسخگویی مناسب بانک مرکزی در قبال سیاستهای پولی می‌باشد(کراری و همکاران[۱]، ۲۰۰۲). در ادامه به وجود یا عدم وجود این پیش‌شرط‌ها در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود.

---

۱ Carare et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

الف- استقلال بانک مرکزی

وجود یک بانک مرکزی مستقل که بتواند در برابر فشارهای سیاستگذاران مالی و سایر نهادهای دخیل در سیاستگذاری مقاومت کرده و از بروز مالیات تورمی و به تبع آن بالا رفتن مداوم قیمت‌ها جلوگیری کند از ارکان هدفگذاری تورمی به شمار می‌رود. کشورهای متعددی هستند که در آنها از یک روش قراردادی برای هدفگذاری تورمی استفاده می‌شود به این معنی که دولت طی قراردادی، رقمی را به عنوان هدف تورمی به عهده بانک مرکزی واگذار می‌کند و در عوض استقلال عملیاتی کامل[۱] به بانک مرکزی می‌دهد که به صلاحدید خود از ابزارهای لازم سیاستی برای رسیدن به این هدف استفاده نماید. به عنوان مثال بانک مرکزی انگلستان از چنین رویه‌ای پیروی می‌کند. وزیر خزانه‌داری این کشور سالیانه طی نامه‌ای تحت عنوان «نامه ارجاع کار[۲]»، هدف کنترل تورم در یک نرخ خاص را به رئیس کل بانک مرکزی ابلاغ کرده و در عوض استقلال عملیاتی کامل برای رسیدن به این هدف را به کمیته سیاست پولی آن تفویض می‌کند[۳].

شاخص‌های متفاوتی جهت محاسبه درجه استقلال بانک مرکزی وجود دارد که هر یک از آنها بر حوزه‌های متفاوتی از استقلال تمرکز یافته‌اند. از میان تمامی شاخص‌های معرفی شده در ادبیات، سه شاخص معرفی شده توسط گریلی، ماسکیاندارو و تابلینی(GMT[۴]) (۱۹۹۱)و کوکرمن، وب و نیاپتی(CWN[۵]) (۱۹۹۲) و اخیراً روملی[۶] (CBIE[۷]) (۲۰۲۲) از جامعیت بیشتری برخوردارند. در ادامه مختصری راجع به این چند شاخص توضیح داده می‌شود.

- شاخص گریلی، ماسکیاندارو و تابلینی: این شاخص، استقلال بانک مرکزی را به دو جزء استقلال سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌کند. استقلال سیاسی توسط عواملی از قبیل نحوه نصب رئیس و اعضای هیئت مدیره بانک مرکزی، دوره تصدی منصوبان و میزان مسئولیت بانک مرکزی برای دستیابی به هدف ثبات قیمت تعیین می‌شود. استقلال اقتصادی به میزان توانایی بانک مرکزی در تعیین و استفاده از ابزارهای سیاستگذاری پولی(شامل عواملی مانند کنترل میزان اعتبارات بانک

---

۱ Full operational independence

۲ Remit Letter

۳ نمونه این نامه در آدرس «https://www.bankofengland.co.uk/letter/2023/november/mpc-remit-2023» در دسترس است.

۴ Grilli, Msciandaro and Tabelini

۵ cukierman webb and neyapti

۶ Romelli

۷ Central Bank Independence-Extended Index

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مرکزی به دولت، نرخ بهره وامها و نرخ تنزیل) بدون دخالت دولت وابسته است. این بعد از استقلال، گاهی استقلال ابزاری نیز نامیده می‌شود (همتی، ۱۳۹۳)

- شاخص استقلال کوکرمن، وب و نیاپتی: در این شاخص، استقلال بانک مرکزی در دو بعد قانونی۱ و واقعی۲ بررسی می‌شود. استقلال بانک مرکزی از منظر قانونی به آزادی، انعطاف‌پذیری و اختیار عملی اطلاق می‌شود که قانون برای بانک مرکزی قائل شده است. این شاخص، خود به چهار جزء اصلی تقسیم می‌شود: که عبارتند از ۱- عزل و نصب و دوره تصدی رئیس بانک مرکزی، ۲ تدوین سیاستهای پولی، ۳- اهداف، و ۴- محدودیتهای اعطای وام به دولت. این چهار جزء بر اساس۱۶ متغیر مختلف قانونی ساخته شده‌اند که هر متغیر بین صفر(کمترین درجه استقلال) و یک (بیشترین درجه استقلال) رتبه‌بندی می‌شود. در نهایت میانگین این ۱۶ متغیر به عنوان شاخص مولفه قانونی محاسبه می‌شود. کوکرمن برای تعیین درجه استقلال، شاخص دیگری به عنوان شاخص واقعی معرفی کرده که به جای قانون مبتنی بر عملکرد بانک مرکزی است، زیرا در برخی از کشورهای در حال توسعه مشاهده شده است که حتی اگر قوانین بانک مرکزی کاملاً آشکار باشد، ممکن است این قانون در عمل به دقت اجرا نشود(همان، ۱۳۹۳).

- شاخص روملی: روملی در مطالعه خود(۲۰۲۲) علاوه بر بررسی و لحاظ استقلال بانک مرکزی در عزل و نصب و دوره تصدی رئیس بانک مرکزی و اعضاء هیأت مدیره، نحوه اعمال سیاست پولی و ابزارهای سیاستی در اختیار آن، اهداف بانک مرکزی اعم از کنترل نرخ تورم و محدودیت بانک مرکزی در وام‌دهی به دولت و تامین مالی آن؛ دو مولفه مهم استقلال مالی بانک مرکزی و گزارش‌دهی و شفافیت این نهاد در قبال سیاست‌هایش را نیز به شاخص خود اضافه کرده است. به عبارت دیگر، شاخص روملی را می‌توان به نوعی شاخصی برای ارزیابی پیش‌شرط‌های پیاده‌سازی رژیم هدفگذاری تورم در یک کشور دانست. روملی(۲۰۲۲) شاخص استقلال بانک مرکزی خود تحت عنوان CBIE و شاخص‌های GMT و CWN را برای تقریباً تمام کشورهای جهان گزارش کرده است که در ذیل از این شاخص‌ها برای مقایسه درجه استقلال بانک مرکزی ایران با برخی از کشورهای موفق در هدفگذاری تورمی استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که میزان این شاخص‌ها بین صفر(کمترین میزان استقلال) و یک(بیشترین میزان استقلال) در نوسان است.

جدول (۲) به خوبی نشان می‌دهد شاخص‌های استقلال حتی در یکی از معدود سال‌هایی که نرخ تورم در ایران کمتر از ۱۰ درصد بوده است (سال ۲۰۱۷) از این شاخص‌ها در کشورهای منتخب موفق در هدفگذاری تورم کمتر است و ایران تفاوت معنی‌داری در درجه استقلال بانک

---

۱ De jure

۲ De facto

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مرکزی با این کشورها دارد که حاکی از عدم فراهم بودن یکی از اولین پیش‌شرط‌های موفقیت در هدفگذاری تورم در اقتصاد ایران است.

جدول (۲): شاخص‌های مختلف استقلال بانک مرکزی برای ایران در مقایسه با برخی کشورهای هدف‌گذار تورم

کشور	شاخص‌های مختلف استقلال			شاخص سلطه مالی[۲] (تأمین مالی دولت)- ۲۰۱۷	نرخ تورم[۱] (۲۰۱۷)
	CWN	GMT	CBIE		
ایران	۰,۳۹۶۵	۰,۲۵	۰,۲۸۶۵	۰,۱۱۴	۹,۶۴
برزیل	۰,۳۴۸۵	۰,۵۶۲۵	۰,۴۹۴۵	۱	۳,۴۵
نروژ	۰,۶۶۵	۰,۹۳۷۵	۰,۷۲۰۵	۱	۱,۸۸
کره جنوبی	۰,۶۱۷	۰,۳۸۵	۰,۵۱۴۵	۰,۳۰۲۵	۱,۹۴
اسپانیا	۰,۴۶۹۵	۰,۸۷۵	۰,۹۳۵	۱	۱,۹۶
فیلیپین	۰,۸۹۵۵	۰,۶۰۴	۰,۶۰۲۵	۰,۵۹۲۵	۲,۸۵
اندونزی	۰,۸۶۲۵	۰,۹۱۶۵	۰,۸۸۷	۱	۳,۸۱
ایالات متحده آمریکا	۰,۶۲۵	۰,۷۵	۰,۶۵۵۵	۰,۹۳۷۵	۲,۱۳
لهستان	۰,۸۴۸	۰,۹۷۱	۰,۸۶	۱	۲,۰۸
مجارستان	۰,۷۴۵	۰,۸۷۵	۰,۸۲	۱	۲,۳۵

منبع: روملی (۲۰۲۲) و داده‌های آماری صندوق بین‌المللی پول

ب- عدم وجود سلطه مالی

برای موفقیت در هدفگذاری تورمی، بانک مرکزی باید بتواند در عمل در برابر فشارهای سیاسی برای رونق دادن به اقتصاد در کوتاه‌مدت به خواست دولت‌های در مصدر قدرت مقاومت کرده و از قید سلطه مالی رها باشد. سلطه مالی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن دغدغه‌های سیاستگذار مالی مهم‌ترین نقش را در جهت‌دهی به سیاست پولی دارد. در کشورهایی که مالیات تورمی یکی از مهم-

۱ آمار مربوط به تورم از بانک اطلاعاتی صندوق بین‌المللی پول استخراج شده است و لزوماً نرخ تورم هدفگذاری‌شده نیست.

۲ Fiscal Dominance

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

ترین منابع تأمین مالی دولت محسوب می‌شود، رسیدن به پیش‌شرط استقلال بانک مرکزی در هدفگذاری تورمی عملاً ناممکن به نظر می‌رسد(کراری و همکاران، ۲۰۰۲). در چنین شرایطی، ملاحظات مربوط به تأمین مالی دولت، دست بانک مرکزی در استفاده مفید از ابزارهای سیاستی خود را می‌بندد. به عنوان مثال، بانک مرکزی برای جلوگیری از ناپایداری بدهی‌های دولت مجبور به کاهش نرخ بهره می‌شود که در تضاد با هدف پایین آوردن نرخ تورم با استفاده از این ابزار سیاستی است. یا در یک کشور نفتی، با تبدیل دلارهای نفتی به پول رایج مملکت و افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی در عمل نقدینگی افزایش یافته و کنترل تورم به جز با واردات که اصولاً از ابزارهای شناخته‌شده بانک مرکزی نیست، امکان‌پذیر نخواهد بود(ابراهیمی، ۱۴۰۱).

نگاهی به ارقام ارائه شده در جدول (۲) نشان می دهد که این شاخص در ایران بسیار پایین و حدود ۰,۱۱ است که حکایت از سلطه شدید مالی دولت بر بانک مرکزی دارد. به عبارتی، بخش قابل توجهی از مطالعات علت این امر را در عدم استقلال بانک مرکزی از سیاست‌گذاران اقتصادی و بودجه‌ای کشور دانسته‌اند (مزینی، ۱۳۹۵).

ج- سطح مناسب توسعه‌یافتگی بازارهای مالی و عدم وجود بی‌ثباتی مالی

ضعف سیستم مالی کشورها می‌تواند اختلالی جدی در اعمال سیاست پولی مستقل برای رسیدن به هدف تورمی اعلامی از سوی بانک مرکزی باشد، چرا که در چنین کشورهایی بانک مرکزی مجبور است برای نجات بانک‌های بیمار و در حال ورشکستگی، به طور مستمر اقدام به تزریق نقدینگی نماید. همچنین، بانک مرکزی از یکی از بزرگترین و بهترین ابزارهای سیاستی خود در کنترل تورم یعنی نرخ بهره نمی‌تواند به خوبی استفاده نماید، چرا که افزایش نرخ بهره می‌تواند بازپرداخت تسهیلات وام‌گیرندگان را با مشکل مواجه کرده و موجب نکول وام‌ها شود و به این ترتیب ترازنامه بانک‌ها را تحت فشار قرار دهد. البته عدم سلامت سیستم مالی یا بانکی به معنی رد هدفگذاری تورمی نیست بلکه، بالعکس بدین معنی است که پیش از هدفگذاری تورمی یا همزمان با آن باید اصلاحات لازم در سیستم مالی و نیز نظارت بانکی برای برخورد با لطمات احتمالی صورت پذیرد(آگنور و دا سیلوا[۱]، ۲۰۱۳).

در ادامه شواهدی از بی‌ثباتی مالی در بخش‌هایی از سیستم مالی ایران ارائه می‌شود که تأکیدی بر این نکته است که در حال حاضر اقتصاد کشور از پیش‌شرط وجود ثبات مالی و سلامت سیستم مالی برای اجرای رژیم هدفگذاری تورم برخوردار نیست.

---

۱ Agénor & da Silva

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

یکی از مهمترین بازارهای دارایی در هر کشوری بازار سهام است که در اقتصاد ایران با وجود این که عمر زیادی ندارد ولی در سال‌های اخیر بالاخص از سال ۱۳۹۹، نقش پررنگی در گزارشات مربوط به تحولات بازارهای دارایی پیدا کرده است. در سال ۱۳۹۹، شاخص کل بورس که در ابتدای سال ۵۰۸ هزار واحد بود، در ۱۹ مرداد همان سال از مرز ۲ میلیون واحد گذشت و رکورد تاریخی رقم زد، ولی در ادامه وارد روند نزولی شد و در آخرین روز کاری اسفندماه شاخص کل بورس به سطح یک میلیون و ۳۰۷ هزار واحد رسید. به عبارت دیگر، هم‌زمان با اعلام هدفگذاری تورم از سوی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۹، بازار سهام یکی از بی‌ثبات‌ترین دوره‌های خود را سپری می‌کرد.

علاوه بر بازار سهام، بازار ارز و تحولات آن نیز یکی از بازیگران اصلی عرصه ثبات مالی است. تکانه‌های ارزی سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹ و نیمه دوم ۱۴۰۱ نشان از التهابات بازار ارز در اقتصاد ایران دارد. این نوسانات شدید، نشان از بی‌ثباتی ارزش پول ملی و به تبع آن بی‌ثباتی مالی از این ناحیه در یک دهه گذشته دارد. این در حالی است که معرفی ارز ترجیحی به نرخ ۴۲۰۰ تومان به ازای هر دلار در بهار ۱۳۹۷ و نیز ارز ۲۸۵۰۰ تومانی در دی ماه ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که در چند سال گذشته نه تنها بازار ارز بی‌ثبات بوده است، بلکه سیاستگذار پولی از طریق معرفی نرخ ارز ترجیحی ثابت به نوعی یکی از پیش‌شرط‌های اساسی موفقیت هدفگذاری تورم یعنی عدم هدفگذاری نرخ ارز رسمی را زیر پا گذاشته است.

بررسی آمار و ارقام در بازار مسکن نیز حاکی از جهش و افزایش شدید قیمت‌ها در این بخش دارد به طوری که متوسط قیمت یک متر مربع زیربنا در شهرهای کشور از ۱۴۳۴۲ (هزار ریال) در سال ۱۳۹۴ به ۱۱۸۰۸۷ (هزار ریال) در سال ۱۴۰۰ جهش پیدا کرده است (مرکز آمار ایران، تیر ماه ۱۴۰۲) که در بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی از تأثیرپذیری آن از مازاد نقدینگی (شاکری بستان‌آباد و همکاران، ۱۳۹۸) و جهش نرخ ارز صحبت می‌شود.

علاوه بر بازارهای مالی، واسطه‌ها و نهادهای مالی نیز از بزرگترین عوامل موثر بر ثبات یا بی‌ثباتی مالی در یک کشور محسوب می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به صندوق‌های بازنشستگی اشاره کرد. مطالعه صندوق‌های بازنشستگی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که در حال حاضر این صندوق‌ها بنا به دلایل مختلف با کسری و شکاف نقدینگی مواجه هستند که در کوتاه‌مدت سرریز آن با فشار بر منابع دولت، در بودجه ظاهر شده است ولی در میان‌مدت با توجه به درهم‌تنیدگی شدید این صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی از بازارهای مختلف مالی گرفته تا واسطه‌های مالی، سرریز این مشکلات در زمینه ثبات مالی مشاهده شده و مشکلات این صندوق‌ها می‌تواند به عنوان عامل ریسک سیستماتیک برای ثبات مالی عمل کند. بررسی نسبت پشتیبانی صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری به عنوان دو صندوق بزرگ کشور، نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

آن‌هاست؛ به‌طوری که این نسبت برای تأمین اجتماعی از حدود ۶ در سال ۱۳۹۳ به حدود ۴ در ۱۴۰۰ و برای صندوق بازنشستگی کشوری از حدود ۱ در سال ۱۳۹۱ به حدود ۰٫۶ در ۱۴۰۰ و ۰٫۵ در سال ۱۴۰۲، کاهش یافته است(مالکی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین آمارهای منتشرشده از سایر صندوق‌ها نیز خبر از وضعیت نامطلوب نسبت پشتیبانی آن‌ها می‌دهد.

جمع‌بندی شواهد فوق‌الذکر نشان می‌دهد که در طی دهه ۹۰ و نیز در حال حاضر، هدفگذاری موفقیت‌آمیز تورم از ناحیه بی‌ثباتی مالی مورد تهدید است و در حال حاضر پیش‌شرط وجود ثبات مالی برای موفقیت هدفگذاری تورم در کشور چندان برقرار نیست.

د- عدم وجود هدفگذاری نرخ ارز به شکل قانونی یا بالفعل[۱] به صورت همزمان با هدف تورمی[۲]

برای این که یک نرخ تورم پایین و باثبات به عنوان هدف اصلی بانک مرکزی حاصل شود باید سیاستگذار پولی هیچ تعهدی به حفظ عددی خاص برای نرخ ارز نداده باشد که اغلب این امر در قالب رژیم نرخ ارز شناور آزاد[۳] تحقق می‌یابد. البته در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که در ظاهر یک رژیم نرخ ارز انعطاف‌پذیر را به صورت قانونی[۴] دنبال می‌کنند مقامات پولی در عمل و به شکل بالفعل همچنان توجه زیادی به نرخ ارز و نوسانات آن داشته و مسیر یا دامنه تعیین‌شده بالفعلی را برای نرخ ارز خود حفظ می‌کنند(کراری و همکاران، ۲۰۰۲). بانک‌های مرکزی دلایل و توجیهات بسیاری در مورد چرایی نگرانی در خصوص نوسانات نرخ ارز اسمی دارند، حتی اگر از استقلال عملیاتی لازم برای رسیدن به هدف تورمی برخوردار باشند. بالاخص این که نرخ ارز اثر مستقیمی بر تورم داشته و نقشی کلیدی در انتقال تکانه‌های پولی به قیمت‌ها ایفا می‌کند. اگر درجه عبور نرخ ارز بالا باشد، این موضوع انگیزه‌ای برای مداخله بانک مرکزی در کنترل نوسانات نرخ ارز ایجاد می‌کند. همچنین اگر نوسانات نرخ ارز اسمی بالا باشد به نوبه خود باعث نوسان شدید قیمت‌های نسبی شده و تخصیص منابع بین کالاهای قابل‌مبادله و غیرقابل‌مبادله را به هم می‌زند که لزوم دخالت بانک مرکزی را به همراه دارد.

در دهه‌های اخیر در ایران در بیشتر دوره‌ها، سیاست‌گذار به دنبال تثبیت قیمت نرخ ارز اسمی بوده و از نرخ ارز اسمی به عنوان لنگری برای کنترل تورم و نیز انتظارات تورمی بهره گرفته است. با

---

۱ De jure or De facto Exchange Rate Targeting

۲ رجحان هدف تورمی بر هدف نرخ ارز اسمی

۳ Freely floating exchange rate regime

۴ A de jure flexible exchange rate

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

وجود این که ایران از نظر قانونی از نظام ارزی شناور مدیریت‌شده تبعیت می‌کند ولی در عمل در سال‌های افزایش درآمدهای نفتی اقدام به کنترل نرخ ارز و کاهش تورم از طریق واردات کالا نموده و در سال‌های افت درآمدهای نفتی بر اثر کاهش قیمت نفت یا عوامل سیاسی نظیر تحریم‌ها کنترل بازار ارز از دست بانک مرکزی خارج شده و جهش ناگهانی نرخ ارز تلاطمات ناگهانی در تمام بازارها از بازار کالاها و خدمات گرفته تا بازارهای دارایی ایجاد می کند که در عمل با هر گونه برنامه‌ریزی برای هدفگذاری تورم در تضاد است.

ه- امکانات مناسب تحلیلی شامل مدل‌های کلان اقتصادی که بتوان با تکیه بر آن نرخ تورم را پیش‌بینی کرد

به دلیل اهمیت کانونی پیش‌بینی دقیق تورم برای تدوین سیاست‌های پولی مناسب، در سال‌های اخیر بانک‌های مرکزی دنیا به سوی ساخت جعبه‌ابزارهایی برای پیش‌بینی تورم حرکت کرده‌اند (برکچیان و همکاران، ۱۳۹۲). طبیعی است که در رژیم هدفگذاری تورم هم انجام عملیاتی این کار بدون پیش‌بینی روند آتی تورم و اتخاذ روش‌های مناسب کنترل تورم بر پایه این پیش‌بینی‌ها امکان‌پذیر نیست. از این رو وجود امکانات تحلیلی مناسب در رابطه با پویایی‌های تورم و پیش‌بینی روند آتی آن جزء پیش‌شرط‌های اجرای موفقیت‌آمیز هدفگذاری تورمی به شمار می‌رود. چنین پیش‌شرطی در بانک مرکزی ایران از طریق طراحی «**جعبه ابزار پیش‌بینی تورم در اقتصاد ایران**» و تدوین گزارش‌های ماهانه «**چشم‌انداز تورم در چارچوب هدفگذاری تورمی**» توسط پژوهشکده پولی و بانکی در حال انجام است. بنابراین بانک مرکزی از نظر تحلیلی و سخت‌افزاری، محدودیتی در زمینه پیش‌بینی تورم برای اجرای هدفگذاری تورمی و تحلیل اثر عوامل مختلف بر میزان موفقیت این سیاست ندارد.

و- وجود سازوکار شفافیت و پاسخگویی مناسب بانک مرکزی در قبال سیاست‌های پولی

شفافیت در اعمال سیاست پولی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های ایجاد اعتبار[۱] در رژیم هدفگذاری تورم است. اغلب کارگزاران اقتصادی اطلاع دقیقی در مورد نحوه اثرگذاری نرخ بهره یا حجم پول و نقدینگی بر نرخ‌های تورم در آینده و مکانیزم این عملکرد نداشته و تحلیل آنها در مورد تورم پیش‌نگر نیست. در نتیجه تنها در صورتی می‌توان امیدوار به اثرگذاری سیاست‌های پولی بر کنترل انتظارات تورمی بود که بانک مرکزی با شفافیت کامل، سازوکاری را برای تبیین سیاست‌های پولی خود، نحوه اثرگذاری آنها بر کنترل تورم و البته گزارش‌دهی و مسئولیت‌پذیری خود در قبال

---

۱ Credibility

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

تصمیمات اتخاذشده در این زمینه را تعریف کرده و از این طریق بر پایبندی خود به حفظ و کاهش تورم و نگه‌داشت آن در محدوده هدف تورمی تعریف شده صحه بگذارد.

در بیشتر کشورهای هدفگذار تورم، بانک‌های مرکزی اغلب با انتشار منظم «گزارش تورم[۱]» که نگاهی دقیق و موشکافانه از سوی بانک مرکزی به تحولات جاری تورم و متغیرهای مرتبط با آن داشته و روند آن را برای سال یا سالیان آینده پیش‌بینی و تحلیل می‌کند، اقدام به شفاف‌سازی و جلب اعتماد عمومی در مورد اقدامات سیاستی بانک مرکزی در رابطه با کنترل تورم می‌کنند.

طبیعتاً در اقتصاد ایران نیز یکی از پیش‌زمینه‌های موفقیت در هدفگذاری تورم، شفافیت و پاسخگویی بانک مرکزی در قبال سیاست‌های خود بالاخص در زمینه کنترل نرخ تورم است ولی با بررسی پیشینه بانک مرکزی در این خصوص می‌توان گفت که در حال حاضر بستر مناسب هدفگذاری تورم در اقتصاد ایران چندان فراهم نیست و در سال ۱۳۹۹ نیز این پیش‌شرط‌ها برقرار نبوده است که نتیجه آن به همراه تشدید تحریم‌ها، عدم موفقیت سیاستگذار پولی در رسیدن به هدف ۲۲ درصد اعلام‌شده برای تورم بود.

ز- ساختارشناسی تورم در اقتصاد ایران در دهه اخیر

انجام هرگونه اصلاحات برای کنترل تورم و هدفگذاری آن علاوه بر بررسی پیش‌نیازهای لازم برای اجرای موفقیت‌آمیز آن، نیازمند شناخت پویایی‌های تورم، اجزای تشکیل‌دهنده و عوامل تاثیرگذار بر نوسانات آن در طی زمان است تا بتوان نوع گام‌های اجرایی و طبقه‌بندی اولویت آنها را تعیین کرد. لذا، در ادامه به صورت خلاصه به برخی از نکات مهم و واقعیات آشکارشده در خصوص ساختار تورم در اقتصاد ایران اشاره می‌شود:

۱- تورم از سال ۱۳۹۶ و همزمان با تنش‌های سیاسی بر سر برجام، روند متفاوتی پیدا کرده و از میانگین بلندمدت خود که حول و حوش بیست درصد بوده است فاصله گرفته است و ظاهراً انتظارات ناشی از تحولات سیاسی، افت درآمدهای نفتی و به تبع آن جهش‌های ارزی و کسری بودجه نقش پررنگی در شکل‌گیری پویایی‌های تورم ایفا می‌کند. نمودار (۱) به خوبی این روند را نشان می‌دهد.

---

۱ Inflation Report

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

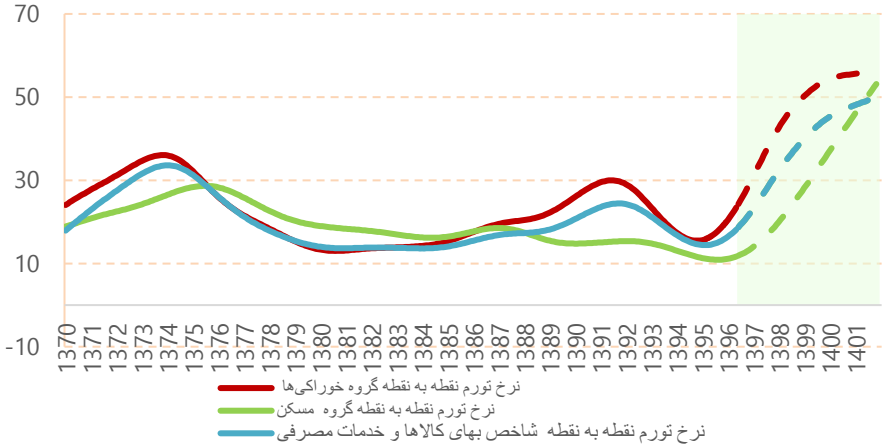

نمودار ۱- روند تورم نقطه به نقطه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، شاخص بهای گروه خوراکی‌ها و شاخص بهای گروه مسکن، سوخت و روشنایی - درصد

منبع: آمارهای اقتصادی بانک مرکزی ایران و محاسبات تحقیق

۲- در برخی از کشورها با این استدلال که تورم مواد غذایی و انرژی بسیار پرنوسان و زودگذر بوده و تحت تاثیر عوامل خارج از کنترل بانک مرکزی است، از تورم هسته[۱] (تورم سبد مصرف‌کننده بدون لحاظ تورم مواد غذایی و انرژی) برای ارزیابی میزان موفقیت بانک مرکزی در مهار تورم استفاده می‌کنند(اسمیت[۲]، ۲۰۰۵). این در حالی است که در ایران ضریب اهمیت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران برابر ۲۵/۵۱ درصد است که رقم بسیار بالایی است و هرگونه تلاش برای کنترل تورم باید لاجرم با توجه به اهمیت کند کردن افزایش قیمت‌ها در این بخش صورت پذیرد.

نگاهی به جدول (۲) و مقایسه ضریب اهمیت مواد غذایی در شاخص CPI بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خوبی نشان می‌دهد که کنترل تورم در کشورهای در حال توسعه بدون کنترل تورم مواد غذایی کمابیش ناممکن به نظر می‌رسد. در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته ضریب اهمیت مواد غذایی و نوشیدنی‌های غیرالکلی حول و حوش ۱۰ درصد بوده، در حالی که این رقم در بیشتر کشورهای در حال توسعه بیش از دو برابر و نزدیک ۲۰ درصد و حتی بالاتر است.

۱ Core Inflation

۲ Smith

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

جدول (۳)- ضریب اهمیت برخی از زیرگروه‌های شاخص CPI در برخی از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته	ضریب اهمیت مواد غذایی و نوشیدنی‌های غیرالکلی در شاخص CPI	ضریب اهمیت مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها	کشورهای درحال توسعه	ضریب اهمیت مواد غذایی و نوشیدنی‌های غیرالکلی در شاخص CPI	ضریب اهمیت مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها
کانادا	۱۱،۱۵	۲۵،۳۴	پاکستان	۳۴،۵۸	۲۳،۶۳
اتریش	۱۱،۵۱	۱۹،۲۲	گرجستان	۳۳،۷۳	۹،۰۳
فرانسه	۱۴،۴۴	۱۴،۶۳	نیجریه	۵۱،۸۰	۱۶،۷۳
آلمان	۱۱،۹۰	۲۵،۹۳	ایران	۲۵،۵۱	۳۷،۰۵
ایتالیا	۱۷،۱۰	۱۲،۱۳	تونس	۲۶،۲۲	۱۹،۰۲
نروژ	۱۱،۸۹	۲۴،۴۸	مصر	۳۲،۷۳	۱۹،۴۶
بریتانیا	۹،۵۰	۳۰،۰۰	عراق	۲۹،۶۱	۲۵،۳۶
ایالات متحده	۸،۲۸	۳۶،۳۹	مالزی	۲۹،۵۰	۲۳،۸۰

منبع: صندوق بین‌المللی پول و آمارهای اقتصادی بانک مرکزی ایران[1]

ویژگی تورم مواد خوراکی و آشامیدنی در اقتصاد ایران، بالاتر بودن آن نسبت به تورم کل در بیشتر سال‌های چند دهه اخیراست(نمودار (۲)). به طوری که می‌توان چنین استدلال کرد که تورم در این بخش باعث افزایش تورم کل می‌شود.

[1] https://www.cbi.ir/simplelist/27100.aspx و https://data.imf.org/regular.aspx?key=61017820

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

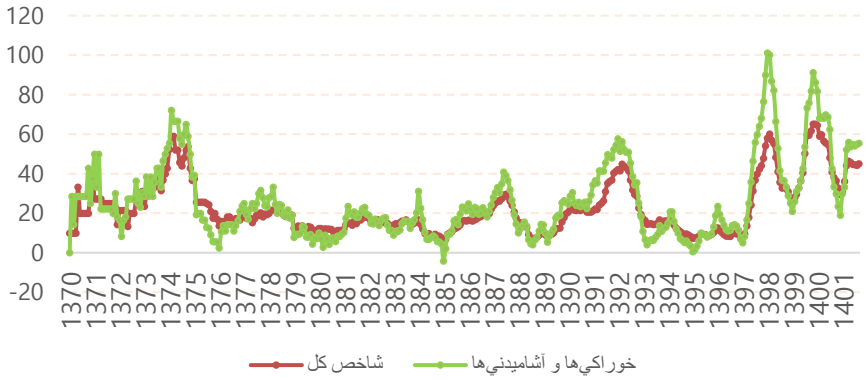

نمودار ۲- تورم نقطه به نقطه در شاخص کل و گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی - درصد

منبع: آمارهای اقتصادی بانک مرکزی ایران و محاسبات تحقیق

۳- در دهه نود بالاخص در سال‌های بعد از خروج آمریکا از برجام، به دلیل محدود شدن امکان کنترل تورم مواد غذایی از طریق واردات محصولات نهایی و نیز مواد اولیه مورد استفاده در صنایع کشاورزی و صنایع غذایی، رابطه تنگاتنگی بین جهش‌های ارزی و جهش‌های قیمتی در زیرگروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با یک وقفه کوتاه مشاهده می‌شود.

۴- ضریب اهمیت مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها نیز با ۳۷/۰۵ رقم بسیار بالایی در شاخص قیمت مصرف‌کننده است و مقایسه این رقم با سهم این بخش در کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال‌توسعه نشان می‌دهد کنترل تورم در اقتصاد ایران بدون توجه به این زیربخش چندان امکان‌پذیر نیست. همچنین، بنا به آخرین آمار منتشرشده بانک مرکزی، تورم در این زیربخش در دوازده ماه منتهی به بهمن ۱۴۰۱ نسبت به مدت مشابه سال قبل برابر ۴۷/۸ درصد بوده است که بیش از ۴ واحد درصد بالاتر از نرخ تورم کل کالاها و خدمات مصرفی (۴۳/۶ درصد) در مدت مشابه است. این در حالی است که در این گروه از کالاها، تنها قیمت‌های بخش مسکن است که بر اساس تحولات عرضه و تقاضا در بازار شکل می‌گیرد و قیمت آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها مشمول قیمت‌گذاری دستوری بوده و در بیشتر سال‌ها با سرکوب قیمتی مواجه است.

۵- نوسانات متغیرهای اقتصادی در اثر مداخله احزاب سیاسی و دولت‌ها به منظور کسب محبوبیت در دوران پیش از برگزاری انتخابات، مبحث شناخته‌شده‌ای است که تحت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

عنوان ادوار تجاری سیاسی[۱] از آن یاد می‌شود و در اقتصاد ایران نیز می‌توان ردپای آن را در نرخ تورم و ابزارهای کنترل آن نظیر نرخ ارز به خوبی مشاهده کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بیشتر ادوار ریاست‌جمهوری، بالاخص ماه‌های منتهی به انتخابات دور دوم ریاست جمهوری دولت مستقر، با کنترل نرخ ارز و سایر ابزارهای در دسترس دولت، نرخ تورم کاهش معنی‌داری پیدا کرده است که بر حاکمیت نظریه ادوار تجاری سیاسی در اقتصاد ایران صحه می‌گذارد.

۶- طبیعی است که نظریات پولیون در اقتصاد ایران نیز مانند بیشتر کشورهای جهان نقش پررنگی در تبیین پویایی‌های تورم دارد و اقتصاددانان دریافته‌اند نقدینگی و افزایش آن می‌تواند باعث افزایش نرخ تورم شود، ولی به دلیل وجود نفت و درآمدهای ناشی از آن، استفاده از دلارهای نفتی برای واردات در برخی از سال‌ها این رابطه علت و معلولی را به هم ریخته است که مهمترین مثال آن را می‌توان در دهه ۸۰ یا برخی از سال‌های دهه نود بعد از توافق برجام و قبل از خروج آمریکا از این توافق (بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷) مشاهده کرد که علیرغم رشد نقدینگی، دولت توانسته است از طریق تحدید نوسانات نرخ ارز و پایین نگه داشتن آن و توسل به واردات، نرخ تورم را کنترل کند.

۷- ویژگی تورم در سال‌های ابتدایی و انتهایی دهه ۹۰ را می‌توان به این صورت خلاصه کرد که: الف- کسری بودجه شدید دولت به دلیل فشار تحریم‌ها و افت درآمدهای نفتی وجود دارد. ب- کسری بودجه دولت به دلیل تأمین آن از طریق برداشت از منابع بانک مرکزی در کل و منابع نظام بانکی به طور خاص و نیز افزایش نرخ ارز و در نتیجه افزایش معادل ریالی دلار تحویلی به بانک مرکزی، پولی شده و به این ترتیب سلطه مالی دولت بیشتر مشهود است. البته اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی تنها محدود به دولت نبوده و بخشی از آن هم به دلیل سوء کارکرد نظام بانکی اتفاق افتاده است که در کل موجب تشدید اثرات تورمی اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی شده است. ج- افت تولید در بخش نفت باعث افت تولید ناخالص ملی شده و جابجایی منحنی عرضه به سمت چپ و بالا دیده می‌شود. د- تحریم‌ها و نااطمینانی‌های ناشی از آن باعث افت سرمایه‌گذاری و نیز شتاب گرفتن روند خروج سرمایه از کشور شده است که در نهایت نتیجه‌ای غیر از افت عرضه ندارد. ه- برای اولین بار در اقتصاد ایران سه بحران بزرگ ارزی در یک دهه در سال‌های آغازین آن و نیز سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ مشاهده شد که نتیجه آن علاوه بر تمام اثرات مستقیمی که بر تورم داشت، بالا رفتن هزینه تهیه کالاهای واسطه و مواد

---

۱ Political Business Cycles

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

اولیه وارداتی مورد استفاده در تولید بود که باعث افزایش شدید تورم تولیدکننده شده است.

۸- از سال ۱۳۹۷ به بعد به دلیل رشد بسیار پایین یا حتی منفی تولید ناخالص ملی و جهش تورم به بالاتر از میانگین بلندمدت خود، اقتصاد کشور عملاً در وضعیت رکود تورمی بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که بر خلاف نظرات پولیون، در دهه ۱۳۹۰ و بالاخص پس از ۱۳۹۶سال رشد تقاضای کل و رشد نقدینگی پیشران اصلی تورم نبوده بلکه رشد بالای نقدینگی طی دوره ۱۳۹۷-۱۴۰۱ تعقیب‌کننده نرخ تورم بوده و نتیجه سیاست های مساعدتی (در مقایسه با سیاست های مقابله با تورم) بانک مرکزی بوده است (جلالی نائینی و صیقلانی، ۱۴۰۲). بطور کلی‌تر، در دهه ۱۳۹۱-۱۴۰۱سیاست‌های طرف تقاضا، بویژه سیاست پولی به تنهایی پیشران افزایش نرخ تورم بالای روند بلندمدت نبوده، بلکه با ماهیتی واکنشی نقش استمرار دهنده تورم فشار هزینه را داشته است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

نتایج این مقاله نشان می‌دهد که بر اساس شاخص‌های مختلف و نیز به دلیل ویژگی نفتی بودن اقتصاد ایران، کشور از دو شرط استقلال بانک مرکزی و عدم سلطه مالی برخوردار نیست. همچنین بنا به دلایل مختلف از جمله نوسانات شدید در بازار ارز و مسکن و مشکلات متعدد در نهادهای مالی اعم از صندوقهای بازنشستگی، بانک‌ها و نظایر آن، کشور در دهه ۹۰ و هم‌اکنون در معرض بی‌ثباتی مالی است. علاوه بر این هر چند نرخ ارز به صورت رسمی در اقتصاد ایران هدفگذاری نشده است ولی در سال‌های وفور درآمدهای نفتی، سیاستگذار با پایین نگه داشتن نرخ ارز به طور ضمنی آن را هدفگذاری کرده و با توسل به واردات ارزان اقدام به کنترل نرخ تورم می‌کند. در سال‌های افت درآمدهای نفتی نیز که معمولاً تکانه ارزی در بازار آزاد ارز را به همراه دارد، اقدام به معرفی انواع نرخ‌های ترجیحی برای ارز کرده و عملاً ارز، چندنرخی شده و بانک مرکزی به جز نرخ ترجیحی اعلامی خود، نرخ ارز بازار آزاد را به رسمیت نمی‌شناسد که حکمرانی این سازوکار به نوعی هدفگذاری نرخ ارز به شمار می‌رود. در ادامه نشان داده شد که از نظر سخت‌افزاری بانک مرکزی تمام ابزارهای لازم برای پیش‌بینی‌های مربوط به تورم و سایر متغیرهای مرتبط را دارد و از این نظر از هیچ تنگنایی رنج نمی‌برد ولی با وجود تمام این امکانات سخت‌افزاری، دستورالعمل مدونی در زمینه شفافیت و پاسخگویی ندارد.

با توجه به واقعیات فوق‌الذکر، در حال حاضر امکان هدفگذاری کامل تورمی در اقتصاد ایران فراهم نیست و شاید بتوان گفت دلیل اصلی شکست بانک مرکزی در هدفگذاری تورم در سال

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۱۳۹۹ عدم تحقق این پیش‌شرطها در همراهی با فشارهای اقتصادی وارد از ناحیه تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده بوده است.

در نتیجه اولین گام برای هدفگذاری تورم، تلاش برای حصول این پیش‌شرطها است که برخی از آنها از نظر قانونی و رسمی جنبه سازمانی داشته و از درون بانک مرکزی قابل طراحی است و برخی دیگر تنها با اجماع برون‌سازمانی و هماهنگی با سیاستگذار مالی و دولت قابلیت عملیاتی شدن دارد. ولی باید متذکر شد که در عمل به دلیل شدت سلطه مالی و نیز ماهیت اقتصاد کشور به عنوان یک کشور صادرکننده نفت، کمابیش تمام حوزه‌های عملیاتی و کارکرد بانک مرکزی تحت تاثیر فعالیتهای سیاستگذار مالی بوده و هماهنگی با دولت در تأمین پیش‌شرط‌های هدفگذاری تورم امری اجتناب‌ناپذیر است. لذا، بر اساس موارد مطروحه، سخن از هدفگذاری تورمی مطلق یا کامل در اقتصاد ایران راهگشا نیست و باید به نسخه تعدیل‌شده‌ای از این رژیم تحت عنوان «رژیم هدفگذاری سبک» متوسل شد به این معنی که برای کنترل تورم در بلندمدت و پایبندی کامل به یک نرخ تورم اعلامی، در ابتدا با انجام اقداماتی، از افزایش بیشتر تورم جلوگیری کرده و سپس، به تدریج با انجام اصلاحات لازم، بستر اقتصادی مناسب برای پایبندی دائمی به نرخ تورم هدف را فراهم آورد. از سوی دیگر، چنانچه نشان داده شد، در اقتصاد ایران برای سالیان طولانی از لنگر نرخ ارز برای کنترل سرریز اثرات رشد شتابان نقدینگی بر تورم و انتظارات تورمی استفاده شده است و در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت به یکباره از این لنگر چشم‌پوشی شده و از طریق هدفگذاری تورمی، بتوان از انتظارات تورمی و کنترل آن به عنوان لنگر تورمی استفاده کرد.در بین گروه‌های کالایی نیز با توجه به سهم قابل توجه مواد غذایی و آشامیدنی‌ها در سبد مصرفی خانوار و نیز بالاتر بودن تاریخی نرخ تورم در این گروه کالایی نسبت به تورم کل، هر اقدام کنترلی در جهت کاهش تورم در این زیرگروه می‌تواند اثر بسزایی در کنترل انتظارات تورمی داشته باشد.

علاوه بر موارد مذکور، جذابیت بیشتر اوراق بدهی دولت به عنوان یکی از بهترین و غیرتورمی-ترین راه‌های پوشش کسری بودجه، از اقدامات عاجل بانک مرکزی برای کنترل شتاب افزایش تورم در کوتاه‌مدت محسوب می‌شود، البته، پس از کنترل تورم در کوتاه‌مدت، در میان‌مدت باید بسترهای مناسب هدفگذاری تورم؛ از استقلال بانک مرکزی گرفته تا سایر بسترهای قانونی اعمال این چارچوب فراهم شود. در حوزه عملیاتی کردن هدفگذاری تورمی پیشنهاد می‌شود به جای هدفگذاری تورم از هدفگذاری کاهش تورم به صورت مرحله به مرحله سخن به میان آید تا با موفقیت بانک مرکزی در کاهش نرخ تورم هر چند در حد ارقام چند درصدی، در طول زمان به اعتبار بانک مرکزی افزوده شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

منابع

۱. ابراهیمی، ایلناز (۱۴۰۱). طراحی چارچوب مناسب سیاست‌گذاری پولی برای کنترل تورم در شرایط نامتعارف تحریم و ناترازی بودجه. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

۲. بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: https://www.cbi.ir/page/4275.aspx

۳. برکچیان، سید مهدی، بیات، سعید و کرمی، هومن (۱۳۹۲). جعبه‌ابزار پیش‌بینی تورم، گزارش پژوهشی شماره MBRI 9212. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۴. جلالی نائینی، سید احمدرضا و صیقلانی، شهبد (۱۴۰۲). تکانه خارجی، فشار هزینه، و رکود تورمی در اقتصاد ایران. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲(۲۸)، ۴۵-۸۹.

۵. خلیلی راحله، پیکارجو کامبیز، هژبرکیانی کامبیز، معمارنژاد عباس. (۱۴۰۲). اثرات غیرخطی نرخ تورم بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب صادرکننده نفت: رهیافت NARDL. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۲ (۴۲)*،۹۳-۱۲۸.

۶. داده‌های آماری صندوق بین‌المللی پول به آدرس: https://www.imf.org/external/datamapper/datasets

۷. زمان‌زاده، حمید و همتی، مریم. (۱۳۹۹). چارچوب هدفگذاری تورمی و سازوکار دستیابی به نرخ تورم هدف، گزارش پژوهشی شماره MBRI-PR-9908. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۸. شاکری بستان‌آباد رضا، رسولی بیرامی زهرا، صالحی کمرودی محسن، پاکروح پریسا (۱۳۹۹). تأثیر انتظارات، مازاد نقدینگی و طرف تقاضا بر پویایی تورم در ایران: رهیافت منحنی فیلیپس هایبریدی نئوکینزی. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۹ (۳۱)*،۱۴۷-۱۷۱.

۹. مالکی، محمد رضا، فروزان‌فر، محمد مهدی، حسینعلی‌زاده، رامین (۱۴۰۲). ناپایداری صندوق های بازنشستگی (۲) : سلسله گزارش های پویایی‌شناسی چالش‌های کشور، مرکز پژوهشهای مجلس.

۱۰. مزیّنی، امیرحسین (۱۳۹۵). ضرورت افزایش استقلال بانک مرکزی در اقتصاد ایران از منظر اسلامی با تاکید بر کنترل تورم. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۵ (۱۶)*، ۱۳۵-۱۴۶.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۱۱. همتی، مریم. (۱۳۹۳). استقلال بانک مرکزی: ضرورت‌ها و چالش‌ها، پژوهشکده پولی و بانکی، گزارش پژوهشی. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

12. Agénor, P. R., & da Silva, L. A. P. (2013). Inflation targeting and financial stability: a perspective from the developing world. Washington, DC: Inter-American Development Bank.
13. Carare, A., Schaechter, A., Stone, M., & Zelmer, M. (2002). Establishing initial conditions in support of inflation targeting. IMF Working Paper.
14. Carare, A., & Stone, M. R. (2006). Inflation targeting regimes. *European Economic Review*, *50*(5), 1297-1315.
15. Cukierman, A., Web, S. B., & Neyapti, B. (1992). Measuring the independence of central banks and its effect on policy outcomes. *The world bank economic review, 6(3),* 353-398.
16. International monetary Fund Databases. Available at: https://www.imf.org/external/datamapper/datasets
17. Güler, A. (2021). Does monetary policy credibility help in anchoring inflation expectations? Evidence from six inflation targeting emerging economies. Journal of Central Banking Theory and Practice, 10(1), 93-111.
18. Mishkin, F. S. (2004). *Can Inflation Targeting Work in Emerging Market Countries?* (No. 10646). National Bureau of Economic Research, Inc.
19. Pétursson, T. G. (2005). *Inflation targeting and its effects on macroeconomic performance* (No. 2005/5). SUERF Studies.
20. Romelli, D. (2022). The political economy of reforms in Central Bank design: Evidence from a new dataset. *Economic Policy*, *37*(112), 641-688.
21. Smith, J. K. (2005). Inflation targeting and core inflation. Canadian Journal of Economics/Revue canadienne d'économique, 38(3), 1018-1036.
22. Stone, M. M. R. (2003). *Inflation targeting lite*. International Monetary Fund.
23. Vega, M., & Winkelried, D. (2005). Inflation targeting and inflation behavior: a successful story?. *International Journal of Central Banking, 1(3),* 153-175.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]